

كَلِيلٌ كَلِيلٌ

بِغْرِيْبٍ

٧

كَلِيلٌ كَلِيلٌ كَلِيلٌ كَلِيلٌ

مَسْأَلَةٌ مُّكَلَّعٌ
رَمْشَلٌ لِيفَتٌ اسْكَنَدَةٌ



ذَاهِلٌ لِادْبَحْتَهُ نَدَهُ مُشْكِلٌ هَيْدَهُ عَلَيْهِ طَهُ فَنَدَهُ تَدْفِقُونَ وَفِتْبُونَ الْذَّاهِلُ شَدَّدَهُ
هَنْزَجَقَنْ مُجَنْفُونَ مُلْذَدَهُ

فِيْنَانْ ٥٠ عَمَّوْشَدَهُ



[سایه] مقامه و [سل] ایقانمه [مربع] جراحت را که مورخ صدیف نیک



۱۷) اولین کوکوک [سایه] دومین کوکوک [سل] سومین کوکوک [مربع] آنچه در بخش [سبز] مذکور شد.



کوچک سرخ

مرد میکه دانه هنری نفشد دیده در
با فله ره رکه عین قرده همکبه در
ایرو ایز قطعه در اوی خضریت ای
اما در لعلی سرخ ایده بسته قصبه در
بایل بایل با الهی علی لعل لعل لعلی نفشد دیده در

